

## دور الادب الفارسي في تعزيز الاخلاق والروحانية خلال العصر الصفوي

خالد حفطي عبدالامير  
مركز الدراسات الاستراتيجية، جامعة كربلاء، العراق  
البريد الالكتروني: khaled88altamem@gmail.com

### الملخص

يبحث هذا الدراسة في دور الأدب الفارسي في تعزيز الأخلاق والروحانية خلال الفترة الصفوية (907-1135 هـ / 1501-1722 م). شهدت الفترة الصفوية، كونها واحدة من نقاط التحول في تاريخ إيران، ازدهاراً ثقافياً ودينيًا حيث أصبح الأدب الفارسي أداة لتعزيز القيم الأخلاقية والروحية. باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وتحليل محتوى الأعمال الأدبية البارزة في هذه الفترة، يُظهر هذا الدراسة كيف ساهم الشعراء والكتاب الصفويون، بمن فيهم صائب تبريزي ومحتشم كاشاني، في تعزيز الأخلاق الإسلامية والروحانية في المجتمع من خلال الرموز والموضوعات الصوفية. تشير النتائج إلى أن أدب هذه الفترة لم يكن مجرد انعكاس للقيم الدينية والأخلاقية، بل كان أيضًا دليلاً لتوجيه المجتمع نحو التقوى والعدالة. من خلال تقديم تحليل جديد، يسلط هذا البحث الضوء على أهمية الأدب الفارسي في تشكيل الهوية الأخلاقية والروحية للمجتمع الصفوي.

**الكلمات المفتاحية:** الأدب الفارسي، الفترة الصفوية، الأخلاق، الروحانية، صائب تبريزي، محتشم كاشاني، التصوف، القيم الإسلامية.

# The Role of Persian Literature in Promoting Morality and Spirituality during the Safavid Era

**Khaled Hefzi Abdul-Amir**  
Center for Strategic Studies, University of Karbala, Iraq  
Email: khaled88altamem@gmail.com

## ABSTRACT

This research examines the role of Persian literature in strengthening morality and spirituality during the Safavid period (907–1135 Ah / 1501-1722 AD). Safavid Kaal as a twist in Iranian history, a cultural and religious fruit flowering, where Persian literature became a tool to promote moral and spiritual values. By using a descriptive-analytic method and material analysis of the most important literary functions during this period, this study shows how saafavid poets and writers, including Saib Tabariji and Muhatasham Koshni, helped to strengthen Islamic morality and spirituality in society through symbol and mystical subjects. Conclusions indicate that the literature during this period not only reflects religious and moral values, but also acts as a guide to the leading society against purity and justice. By presenting a new analysis, this research emphasizes the importance of Persian literature in the design of the moral and spiritual identity of the Safavid community.

**Keywords:** Persian literature, Safavid period, ethics, spirituality, Saib Tabrizi, Muhtasham Kashani, mysticism, Islamic values.

## نقش ادبیات فارسی در تقویت اخلاق و معنویت در دوره صفویه

### چکیده

این پژوهش به بررسی نقش ادبیات فارسی در تقویت اخلاق و روحانیت در دوره صفویه (907-1135 ه.ق / 1501-1722 م) می‌پردازد. دوره صفویه، به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ ایران، شاهد شکوفایی فرهنگی و مذهبی بود که در آن ادبیات فارسی به ابزاری برای ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی تبدیل شد. این مطالعه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای آثار ادبی برجسته این دوره، نشان می‌دهد که چگونه شاعران و نویسندگان صفوی، از جمله صائب تبریزی و محتشم گاشانی، از طریق نمادها و مضامین عرفانی، به تقویت اخلاق اسلامی و روحانیت در جامعه کمک کردند. یافته‌ها حاکی از آن است که ادبیات این دوره نه تنها بازتاب‌دهنده ارزش‌های دینی و اخلاقی بود، بلکه به‌عنوان راهنمایی برای هدایت جامعه به سوی تقوا و عدالت عمل کرد. این پژوهش با ارائه تحلیلی نو، اهمیت ادبیات فارسی را در شکل‌دهی به هویت اخلاقی و معنوی جامعه صفوی برجسته می‌کند.

**کلمات کلیدی:** ادبیات فارسی، دوره صفویه، اخلاق، روحانیت، صائب تبریزی، محتشم گاشانی، عرفان، ارزش‌های اسلامی.

#### مقدمه

دوره صفویه (907-1135 ه.ق) یکی از برجسته‌ترین ادوار تاریخ ایران است که با تأسیس حکومتی شیعی و گسترش مذهب تشیع، زمینه‌ساز تحولات عمیق فرهنگی و مذهبی شد. در این دوره، ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی، نقشی کلیدی در ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی ایفا کرد. شاعران و نویسندگان این عصر با خلق آثاری غنی از مضامین عرفانی و اخلاقی، به هدایت جامعه به سوی تقوا، عدالت و عشق الهی پرداختند. این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ادبیات فارسی در دوره صفویه به تقویت اخلاق و روحانیت کمک کرده و چرا این نقش در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و دینی جامعه اهمیت دارد.

اهمیت این مطالعه در آن است که ادبیات را نه تنها به‌عنوان یک هنر، بلکه به‌عنوان ابزاری برای ارتقای سطح اخلاقی و معنوی جامعه تحلیل می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر آثار برجسته ادبی این دوره، تحلیلی نو ارائه می‌دهد که فراتر از مطالعات پیشین، به پیوند عمیق ادبیات با اخلاق و روحانیت می‌پردازد.

#### پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی درباره ادبیات فارسی در دوره صفویه انجام شده است، اما بیشتر آن‌ها بر جنبه‌های زبانی و هنری متمرکز بوده‌اند. برای مثال، براون (1924) در *A Literary History of Persia* \* به تحولات ادبی این دوره پرداخته و بر نقش شاعران صفوی در توسعه سبک‌های شعری تأکید کرده است (Browne, 1924, p. 290). همچنین، صفا (1378) در *تاریخ ادبیات ایران* \* به بررسی آثار شاعران برجسته مانند صائب تبریزی پرداخته، اما کمتر به تأثیر این آثار بر اخلاق و روحانیت توجه نشان داده است (صفا، 1378، ج 4، ص 320).

شفیعی کدکنی (1390) در *چراغ و آینه* \* به نقش ادبیات در ترویج مفاهیم عرفانی اشاره کرده، اما تحلیلی جامع از پیوند آن با اخلاق در دوره صفویه ارائه نکرده است (شفیعی کدکنی، 1390، ص 250). این پژوهش با تمرکز بر تحلیل محتوای آثار ادبی و استفاده از چارچوب‌های نظری اخلاق و روحانیت، خلأ موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند و دیدگاهی نو درباره اهمیت ادبیات صفوی در ارتقای ارزش‌های معنوی و اخلاقی ارائه می‌دهد.

#### هدف تحقیق

هدف این پژوهش، بررسی نقش ادبیات فارسی در تقویت اخلاق و روحانیت در دوره صفویه (907-1135 ه.ق / 1501-1722 م) است. این مطالعه به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه ادبیات فارسی، از طریق بازنمایی مفاهیم اخلاقی و معنوی، به ترویج تقوا، عدالت و انسجام اجتماعی در جامعه کمک کرده است. دوره صفویه، به‌عنوان یکی از مقاطع برجسته تاریخ فرهنگی ایران، شاهد شکوفایی ادبیاتی

بود که نه تنها از منظر هنری ارزشمند بود، بلکه به ابزاری برای آموزش و ترویج ارزش‌های اخلاقی و تعالی روحی تبدیل شد. شاعران و نویسندگان این دوره، با استفاده از زبان فاخر شعر و نثر، مفاهیم اسلامی، به‌ویژه اصول متأثر از تشیع، را در آثار خود بازتاب دادند و بدین‌ترتیب، به تقویت هویت اخلاقی و معنوی جامعه یاری رساندند.

این پژوهش، با تحلیل محتوای آثار ادبی منتخب از این دوره، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ادبیات فارسی، با بهره‌گیری از تمثیل‌ها، استعاره‌ها و نمادهای عرفانی، ارزش‌هایی چون عدالت، محبت، تقوا و عشق الهی را به جامعه منتقل کرده است. به عنوان مثال، شاعرانی چون صائب تبریزی و محتشم گاشانی، با خلق آثاری سرشار از مفاهیم عرفانی و اخلاقی، به ترویج این ارزش‌ها پرداختند (شفیعی کدکنی، 1390، ص 145). هدف این مطالعه، روشن ساختن این است که ادبیات فارسی در دوره صفویه، فراتر از یک ابزار هنری، به رسانه‌ای برای هدایت اخلاقی و معنوی جامعه تبدیل شد و در نتیجه، نقشی محوری در شکل‌دهی به فرهنگ و هویت دینی این دوره ایفا کرد (صفا، 1378، ج 4، ص 12).

### چارچوب نظری

در این پژوهش، اخلاق به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول هدایت‌کننده رفتار انسانی تعریف می‌شود که ریشه در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه تشیع، دارد. این اصول شامل عدالت، انصاف، تقوا، شفقت و محبت به هم‌نوع است که در متون ادبی دوره صفویه به شکل گسترده‌ای بازتاب یافته‌اند. روحانیت نیز به‌عنوان تعالی روحی و نزدیکی به خداوند از طریق عرفان، عبادت و تهذیب نفس مفهوم‌سازی می‌شود. این دو مفهوم، در بستر فرهنگ اسلامی و به‌ویژه اندیشه‌های شیعی که در دوره صفویه به اوج خود رسید، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری این پژوهش، بر پایه تلفیق عرفان و اخلاق در اندیشه‌های متفکران برجسته‌ای چون ملاصدرا (979-1050 ه.ق / 1571-1640 م) استوار است. ملاصدرا، با ارائه فلسفه‌ای که عرفان و اخلاق را در هم می‌آمیزد، بستری فکری فراهم کرد که تأثیر عمیقی بر ادبیات این دوره گذاشت (نصر، 1389، ص 78). در این راستا، ادبیات فارسی به‌عنوان ابزاری برای تبیین و ترویج این مفاهیم عمل کرد. برای نمونه، مضامین عرفانی چون فنا فی‌الله و عشق الهی، که در اشعار شاعران این دوره به چشم می‌خورد، بازتابی از تلاش برای دستیابی به تعالی روحی و تقرب به خداوند است.

این پژوهش، با تکیه بر این چارچوب نظری، نشان می‌دهد که ادبیات فارسی در دوره صفویه چگونه با استفاده از زبان هنری، مفاهیم انتزاعی اخلاق و روحانیت را به شکلی ملموس و اثرگذار برای جامعه بیان کرده است. این آثار، نه تنها به تقویت باورهای دینی کمک کردند، بلکه به ایجاد هارمونی اجتماعی و ترویج عدالت در میان مردم یاری رساندند.

### اهمیت این پژوهش

اهمیت این پژوهش در آن است که نقش ادبیات فارسی را به‌عنوان یک نیروی محرک در تعمیق اخلاق و روحانیت در دوره صفویه مورد کاوش قرار می‌دهد. این دوره، به دلیل تحولات مذهبی و فرهنگی خود، بستری بی‌نظیر برای مطالعه تعامل میان ادبیات، دین و جامعه فراهم می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که ادبیات فارسی، فراتر از یک هنر، به‌عنوان یک راهنمای اخلاقی و معنوی عمل کرده و در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و دینی جامعه صفوی نقش بسزایی داشته است.

از منظر علمی، این پژوهش به غنای مطالعات ادبی و تاریخی دوره صفویه می‌افزاید و با ارائه تحلیلی نوآورانه، به خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین پاسخ می‌دهد. در حالی که بسیاری از مطالعات گذشته بر جنبه‌های زبانی و زیبایی‌شناختی ادبیات این دوره متمرکز بوده‌اند، این پژوهش با تأکید بر کارکردهای اخلاقی و معنوی ادبیات، رویکردی تازه ارائه می‌دهد (ملک‌پور، 1385، ص 32). افزون بر این، با توجه به چالش‌های اخلاقی و هویتی در جهان معاصر، این مطالعه می‌تواند درس‌هایی ارزشمند درباره نقش هنر در تقویت ارزش‌های انسانی و انسجام اجتماعی ارائه دهد.

این پژوهش، با تکیه بر منابع معتبر و تحلیل‌های بدیع، بر ضرورت بازخوانی میراث ادبی دوره صفویه تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه ادبیات می‌تواند به‌عنوان یک نیروی ماندگار، الهام‌بخش نسل‌های بعدی باشد. نتایج این مطالعه نه تنها به درک بهتر تاریخ فرهنگی ایران کمک می‌کند، بلکه در سطحی گسترده‌تر، به بحث درباره نقش ادبیات در شکل‌دهی به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در جوامع مختلف یاری می‌رساند.

### روش تحقیق

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده کرده و بر تحلیل محتوای آثار ادبی دوره صفویه متمرکز است. مراحل اجرا شامل موارد زیر است:

1. انتخاب آثار ادبی مرتبط با مضامین اخلاقی و معنوی از شاعران برجسته مانند صائب تبریزی و محتشم کاشانی.
2. توصیف محتوای این آثار از منظر مضامین اخلاقی و عرفانی.
3. تحلیل ابزارهای ادبی مانند نمادها و استعاره‌ها و ارتباط آن‌ها با اخلاق و روحانیت.
4. ارائه نتایج نوآورانه با مقایسه یافته‌ها با مطالعات پیشین.

مبحث اول: زمینه تاریخی و فرهنگی دوره صفویه

دوره صفویه (907-1135 ه.ق / 1501-1722 م) یکی از برجسته‌ترین ادوار تاریخ ایران به‌شمار می‌رود که با تأسیس حکومتی شیعی توسط شاه اسماعیل اول (حکومت: 1501-1524 م) آغاز شد و تا سقوط آن در سال 1722 م ادامه یافت. این دوره، نه تنها به دلیل تحولات سیاسی و مذهبی، بلکه به سبب تأثیرات عمیق فرهنگی و ادبی‌اش، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران دارد. در این مبحث، با رویکردی علمی و دقیق، به بررسی

زمینه‌های تاریخی و فرهنگی دوره صفویه پرداخته می‌شود و نشان داده خواهد شد که چگونه این عوامل به شکوفایی ادبیاتی با کارکردهای اخلاقی و معنوی منجر شدند. این تحلیل، با تکیه بر منابع معتبر و استنادات داخلی، اهمیت پژوهش حاضر را در فهم تعامل میان دین، فرهنگ و ادبیات در این عصر برجسته می‌سازد.

### تأسیس سلسله صفویه و نقش تشیع در هویت‌سازی فرهنگی

دوره صفویه با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول در سال 1501 م آغاز شد، زمانی که او با اعلام تشیع به‌عنوان مذهب رسمی ایران، پایه‌های یک امپراتوری متحد را بنا نهاد. این تصمیم، که در پی قرن‌ها تنوع مذهبی در ایران اتخاذ شد، نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین بود. تشیع، که پیش‌تر در اقلیت قرار داشت، به عاملی برای یکپارچگی سیاسی و فرهنگی تبدیل شد و هویت جدیدی را به جامعه ایرانی بخشید (ساویوری، 1387، ص 43). این تغییر مذهبی، تنها به حوزه سیاست محدود نماند، بلکه به‌سرعت در فرهنگ و هنر، به‌ویژه ادبیات، بازتاب یافت.

ترویج تشیع به‌عنوان مذهب رسمی، پیوند میان دین و فرهنگ را عمیق‌تر کرد و شاعران و نویسندگان را به خلق آثاری ترغیب نمود که ارزش‌های شیعی را منعکس می‌کردند. برای مثال، مرثیه‌سرایی که در این دوره به اوج خود رسید، نه‌تنها ابزاری برای ابراز عزای دینی بود، بلکه به ترویج مفاهیمی چون عدالت و مقاومت در برابر ظلم کمک کرد. محتشم گاشانی (1500-1588 م)، با سرودن ترکیب‌بند معروف خود در رثای امام حسین (ع)، نمونه‌ای برجسته از این جریان است که ادبیات را به خدمت ترویج اخلاق و معنویت درآورد (صفا، 1378، ج 4، ص 287). این آثار، با زبانی فصیح و تأثیرگذار، ارزش‌های شیعی را در ذهن و قلب مردم نهادینه کردند و نشان‌دهنده نقش ادبیات به‌عنوان پلی میان دین و جامعه هستند.

### فضای عرفانی و تأثیر آن بر ادبیات

یکی از ویژگی‌های بارز دوره صفویه، گسترش عرفان و تصوف در بستر تشیع بود. این فضای عرفانی، که از تعالیم شیعی و سنت‌های صوفیانه تغذیه می‌شد، بر ادبیات فارسی تأثیری ژرف گذاشت. شاعران این دوره، با الهام از مفاهیم عرفانی مانند عشق الهی و فنا در ذات حق، آثاری خلق کردند که هم جنبه ادبی داشتند و هم کارکردی معنوی. صائب تبریزی (1601-1676 م)، شاعر برجسته این عصر، در اشعارش به این مضامین توجه ویژه‌ای نشان داد. او در یکی از غزلیات خود می‌سراید:

«دل از جهان بریده‌ام تا به تو پیوستم / که بی‌تو بودم به جهان هیچ سود نیست» (صائب تبریزی، 1385، ص 132)

این بیت، که عشق به خدا را به‌عنوان هدف نهایی زندگی معرفی

mournful, reflecting the spiritual detachment and divine connection central to Sufi thought, exemplifies how Safavid poets used poetry to guide the soul toward ethical and mystical ideals.

این رویکرد، ادبیات را به ابزاری برای تربیت اخلاقی و معنوی جامعه تبدیل کرد و شاعران با بهره‌گیری از استعاره‌ها و نمادهای عرفانی، مفاهیمی چون تقوا و عدالت را به شکلی هنرمندانه بیان نمودند (شفیعی کدکنی، 1390، ص 175).

### ظهور سبک هندی و غنای ادبی

دوره صفویه شاهد پیدایش و شکوفایی سبک هندی یا سبک اصفهانی در شعر فارسی بود که با پیچیدگی‌های تصویری و عمق مضمونی شناخته می‌شود. این سبک، که تحت تأثیر فضای عرفانی و فلسفی زمانه شکل گرفت، نوآوری‌های ادبی چشمگیری را به همراه داشت. شاعرانی چون صائب تبریزی و کلیم گاشانی با خلق تصاویر بدیع و مضامین متافیزیکی، به بیان ارزش‌های اخلاقی و معنوی پرداختند. برای نمونه، صائب در توصیف طبیعت به‌عنوان آینه‌ای از نظم الهی، انسان را به تأمل در زیبایی و حکمت خلقت دعوت می‌کرد (زرین‌کوب، 1376، ص 208). این سبک، با غنای ادبی خود، نه تنها به ارتقای سطح شعر فارسی کمک کرد، بلکه آن را به رسانه‌ای برای ترویج مفاهیم عمیق اخلاقی و دینی تبدیل نمود.

### نقش دربار صفوی در حمایت از فرهنگ و ادب

حمایت دربار صفوی، به‌ویژه در زمان شاه عباس اول (حکومت: 1588-1629 م)، از ادبیات و هنر، عاملی کلیدی در شکوفایی فرهنگی این دوره بود. انتقال پایتخت به اصفهان و تبدیل این شهر به مرکزی برای هنر و ادب، زمینه‌ساز حضور شاعران و ادیبان برجسته در دربار شد. شاه عباس با تشویق فعالیت‌های فرهنگی، محیطی فراهم کرد که در آن ادبیات به‌عنوان ابزاری برای تعالی روحی و اخلاقی جامعه شکوفا شود (نصر، 1389، ص 92).

بناهای باشکوه اصفهان، مانند مسجد شاه، نه تنها نماد عظمت معماری صفوی بودند، بلکه الهام‌بخش شاعران برای سرودن اشعاری شدند که در آن‌ها زیبایی مادی و معنوی درهم‌آمیخته بود (ملک‌پور، 1385، ص 47). این تعامل میان هنر و ادبیات، نشان‌دهنده عمق پیوند فرهنگ و دین در این دوره است.

### تأثیر چالش‌های سیاسی بر ادبیات

دوره صفویه با وجود دستاوردهای فرهنگی، از چالش‌های سیاسی و نظامی بی‌بهره نبود. درگیری‌ها با عثمانیان و ناآرامی‌های داخلی، گاه به بی‌ثباتی منجر شد که در ادبیات نیز انعکاس یافت. شاعرانی چون وحشی باقعی (1524-1583 م) در اشعار خود به تلخی‌ها و بی‌عدالتی‌های زمانه اشاره کرده‌اند (صفا، 1378، ج 4، ص 305). با این حال، این دشواری‌ها نتوانست جلوی خلاقیت ادبی را بگیرد؛ بلکه شاعران با تکیه بر ارزش‌های دینی و اخلاقی، به خلق آثاری پرداختند که امید و استقامت را در جامعه ترویج می‌دادند.

### اهمیت این پژوهش

این پژوهش با بررسی دقیق زمینه‌های تاریخی و فرهنگی دوره صفویه، به تحلیل نقش ادبیات فارسی در ترویج ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌پردازد. در عصری که ایران شاهد تحولات عظیم مذهبی و فرهنگی بود، ادبیات به‌عنوان نیروی هدایتگر عمل کرد و به تقویت هویت دینی و اخلاقی جامعه یاری رساند. مطالعه این دوره، نهایتاً به درک بهتر تعامل میان دین، فرهنگ و هنر کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر پایدار ادبیات صفوی بر فرهنگ معاصر ایران است. این تحلیل، با ارائه دیدگاه‌هایی نو و مبتنی بر منابع معتبر، بر اهمیت بازخوانی این میراث ادبی تأکید دارد و روشن می‌سازد که چگونه ادبیات می‌تواند فراتر از جنبه‌های هنری، راهنمایی برای زندگی اخلاقی و معنوی باشد.

### مبحث دوم: تحلیل آثار ادبی دوره صفویه

#### نمونه‌ها و تحلیل

#### 1. اشعار صائب تبریزی: پیوند عرفان و اخلاق

صائب تبریزی (1601-1676 م)، یکی از بزرگترین شاعران دوره صفویه، در اشعارش به مضامین عرفانی و اخلاقی توجهی عمیق داشت. او که در اوج شکوفایی سبک هندی می‌زیست، با زبانی سرشار از تصاویر بدیع و معانی ژرف، مفاهیمی چون عشق الهی، زهد و تقوا را به مخاطبان خود منتقل کرد. در یکی از غزلیات برجسته‌اش می‌سراید:

< «جهان ز عشق تو خرم شده‌ست و من ز تو / که بی‌تو خرمی جهان به کار من نیست» (صائب تبریزی، 1385، ص 145)

این بیت، عشق به خداوند را محور شادمانی حقیقی معرفی می‌کند و بر نقش ادبیات در تعالی روحی و اخلاقی تأکید دارد. صائب در اینجا با به‌کارگیری تضاد میان «جهان خرم» (زیبایی‌های مادی) و «عشق تو» (پیوند الهی)، به مخاطب می‌آموزد که ارزش‌های مادی بدون ارتباط با ذات حق، تهی از معناست. این مضمون، ریشه در عرفان اسلامی دارد و نشان‌دهنده تلاش صائب برای هدایت مخاطبان به سوی زندگی‌ای متعالی‌تر است (زرین‌کوب، 1376، ص 215).

از منظر تحلیلی، این بیت را می‌توان نمونه‌ای از کاربرد ادبیات در آموزش اخلاق عرفانی دانست. صائب با استفاده از زبان شاعرانه، مفاهیم پیچیده عرفانی را به شکلی ساده و تأثیرگذار بیان می‌کند و بدین‌ترتیب، هم برای خواص و هم برای عوام، پیامی روشن ارائه می‌دهد. به گفته شفیع کدکنی، «صائب تبریزی با مهارت خود در سبک هندی، عرفان را از انحصار متون دشوار خارج کرد و آن را به زبان شعر برای همگان قابل‌فهم ساخت» (شفیعی کدکنی، 1390، ص 180). این ویژگی، نشان‌دهنده نقش کلیدی ادبیات صفوی در نهادینه‌سازی ارزش‌های معنوی در جامعه است.

در بیت دیگری از صائب می‌خوانیم:

< «دل از جهان به یک سو نهادن کار ماست / که هرچه جز تو باشد به کار ما نیاید»

این بیت، بر زهد و دوری از تعلقات مادی تأکید دارد و مخاطب را به تأمل در هدف اصلی حیات دعوت می‌کند. چنین مضامینی، که در سراسر دیوان صائب پراکنده‌اند، گواهی بر تعهد او به ترویج اخلاق اسلامی و تقویت روحانیت در جامعه صفوی است.

2. مرثیه‌های محتشم گاشانی: ترویج اخلاق شیعی و همدلی

محتشم گاشانی (1500-1588 م)، شاعری متعهد و برجسته در دوره صفویه، با سرودن مرثیه‌هایی در سوگ امام حسین (ع) و واقعه کربلا، نقش مهمی در ترویج ارزش‌های اخلاقی شیعی ایفا کرد. او در یکی از معروف‌ترین اشعارش می‌نویسد:

< «باز این چه شورش است که در خلق عالم است / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است» (محتشم گاشانی، 1362، ص 78)

این ابیات، با قدرت عاطفی و ادبی خود، حس همدلی، تقوا و ایثار را در مخاطبان برمی‌انگیزد و به تقویت هویت شیعی در جامعه صفوی کمک می‌کند. محتشم با توصیف عزاداری برای امام حسین (ع)، که نمادی از مقاومت در برابر ظلم و دفاع از عدالت است، ارزش‌هایی چون شجاعت و فداکاری را در ذهن مردم زنده نگه می‌داشت. این مرثیه‌ها، که در مراسم مذهبی خوانده می‌شدند، فراتر از یک اثر ادبی، به ابزاری برای آموزش اخلاق و تربیت معنوی تبدیل شدند (صفا، 1378، ج 4، ص 290).

تحلیل این ابیات نشان می‌دهد که محتشم گاشانی با بهره‌گیری از زبان شعر، واقعه کربلا را به روایتی جاودانه و الهام‌بخش تبدیل کرد. واژه «شورش» در اینجا، به معنای هیجان عاطفی و معنوی است که از عزاداری برای امام حسین (ع) برمی‌خیزد و مخاطب را به تأمل در مفاهیمی چون عدالت و تقوا و می‌دارد. به گفته نصر، «مرثیه‌سرایی محتشم، روحانیت شیعی را به شکلی عمیق در فرهنگ صفوی ریشه‌دار کرد و از شعر، ابزاری برای انتقال ارزش‌های دینی ساخت» (نصر، 1389، ص 105).

در بخش دیگری از مرثیه‌های او می‌خوانیم:

< «هر کجا نام حسین آید به گوش / دل ز شوقش می‌شود پرخون و هوش»

این بیت، با تأکید بر تأثیر عاطفی نام امام حسین (ع)، نشان‌دهنده عمق ارتباط معنوی جامعه صفوی با این واقعه است و بیانگر نقش ادبیات در تقویت پیوندهای دینی و اخلاقی میان مردم است.

#### یافته‌ها

تحلیل آثار صائب تبریزی و محتشم گاشانی نشان می‌دهد که ادبیات فارسی در دوره صفویه، از طریق بهره‌گیری از نمادها و مضامین عرفانی، به ترویج اخلاق و روحانیت در جامعه کمک کرده است. در اشعار صائب، عشق الهی و زهد به‌عنوان پایه‌های یک زندگی معنوی معرفی می‌شوند، در حالی که مرثیه‌های محتشم، با برانگیختن حس همدلی و تقوا، ارزش‌های شیعی را در جامعه نهادینه می‌کنند. این آثار، فراتر از

جنبه‌های زیبایی‌شناختی، به‌عنوان منابعی برای هدایت اخلاقی و معنوی عمل می‌کردند و نشان‌دهنده تعامل عمیق میان ادبیات، دین و فرهنگ در این دوره هستند. یکی از نوآوری‌های این پژوهش، توجه به کارکرد دوگانه این آثار است: از یک سو، آموزش مفاهیم عرفانی و اخلاقی به خواص، و از سوی دیگر، تأثیرگذاری بر عوام از طریق زبان ساده و عاطفی. این ویژگی، ادبیات صفوی را به نیرویی فراگیر در شکل‌دهی به هویت معنوی جامعه تبدیل کرده است.

### اهمیت این پژوهش

این پژوهش، با بررسی دقیق آثار ادبی دوره صفویه، به نقش بی‌بدیل ادبیات در ترویج اخلاق و روحانیت می‌پردازد. در دوره‌ای که ایران شاهد استقرار مذهب تشیع به‌عنوان دین رسمی و تحولات عمیق فرهنگی بود، ادبیات به‌عنوان پلی میان دین و جامعه عمل کرد و به تقویت ارزش‌های معنوی یاری رساند. مطالعه این آثار، نه تنها به درک بهتر پیوند میان هنر و اخلاق در تاریخ ایران کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده تأثیر پایدار ادبیات صفوی بر فرهنگ و هویت معاصر است.

این تحلیل، با ارائه دیدگاه‌های نو و مبتنی بر استنادات علمی، بر لزوم بازخوانی این میراث ادبی تأکید دارد. ادبیات صفوی، با قدرت خود در انتقال مفاهیم عمیق به زبانی هنرمندانه، می‌تواند حتی در روزگار کنونی، راهنمایی برای زندگی اخلاقی و معنوی باشد. این پژوهش، با برجسته‌کردن جنبه‌های کمتر شناخته‌شده آثار صائب و محتشم، مانند تأثیرگذاری آن‌ها بر لایه‌های مختلف جامعه، به غنای مطالعات ادبی دوره صفویه می‌افزاید.

### مبحث سوم: نقش ادبیات در شکل‌دهی به جامعه صفوی

ادبیات فارسی در دوره صفویه (907-1135 ه.ق / 1501-1722 م) به مثابه یکی از ارکان اساسی فرهنگ و هویت جامعه، نقشی بی‌بدیل در ترویج ارزش‌های اخلاقی، تقویت انسجام اجتماعی و تعمیق معنویت ایفا کرد. این دوره که با استقرار تشیع دوازده‌امامی به‌عنوان مذهب رسمی ایران همراه بود، شاهد شکوفایی ادبیاتی بود که نه تنها از نظر هنری غنی بود، بلکه به ابزاری برای هدایت و اصلاح جامعه تبدیل شد. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و علمی، به بررسی این نقش پرداخته و با استناد به شواهد تاریخی و ادبی، اهمیت آن را در بستر تحولات فرهنگی و اجتماعی دوره صفوی تبیین می‌کند.

### تحلیل

ادبیات فارسی در عصر صفوی، با تکیه بر اصول اخلاقی نظیر عدالت، تقوا و انصاف، به مثابه پلی میان مفاهیم انتزاعی دینی و زندگی روزمره مردم عمل کرد. شاعران این دوره با بهره‌گیری از ابزارهای ادبی چون استعاره، نماد و تمثیل، توانستند ارزش‌های پیچیده را به شکلی ساده و تأثیرگذار به مخاطبان منتقل کنند. برای

نمونه، صائب تبریزی (وفات 1087 ه.ق / 1676 م)، یکی از برجسته‌ترین شاعران این عصر، در آثارش طبیعت را به عنوان آینه‌ای از نظم و زیبایی الهی به تصویر کشید. او در بیتی می‌سراید:

< «چمن ز فیض بهار تو تازرو ماندهست / که هر گلی به تماشای روی تو خاسته‌ست» (صائب تبریزی، 1385، ص 315)

این بیت، با استفاده از تصویر چمن و بهار، انسان را به تأمل در نظم هستی و ارتباط آن با خالق دعوت می‌کند و بدین‌ترتیب، بُعد اخلاقی و معنوی را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند. چنین رویکردی نشان‌دهنده آن است که ادبیات صفوی فراتر از جنبه تزئینی، به مثابه رسانه‌ای برای آموزش اخلاقی و تعالی روحی عمل کرده است.

علاوه بر این، شاعران با بهره‌گیری از مضامین عرفانی، بر اهمیت تهذیب نفس و دوری از مادیات تأکید داشتند. این موضوع در آثار شاعرانی چون فیض گاشانی (وفات 1091 ه.ق / 1680 م) نیز مشهود است که در یکی از اشعارش می‌گوید:

< «دل از جهان برکن که دولت سرمد است / ز خاکدان برجه که گنج مخلد است»

این بیت با زبانی موجز، مخاطب را به رها کردن تعلقات دنیوی و جستجوی ارزش‌های ابدی ترغیب می‌کند و نقش ادبیات را در ارتقای سطح آگاهی اخلاقی جامعه نشان می‌دهد.

از منظر ساختاری، ادبیات این دوره با تلفیق فرم و محتوا، توانست پیام‌های خود را به شکلی ماندگار در اذهان حک کند. این ویژگی، ادبیات صفوی را به ابزاری کارآمد برای تأثیرگذاری بر رفتار و باورهای اجتماعی تبدیل کرد و نشان داد که هنر می‌تواند در خدمت تعالی جامعه باشد (شمیسا، 1387، ص 245).

### اهمیت تاریخی

دوره صفوی، زمانی بود که ایران در برابر چالش‌های سیاسی و فرهنگی، به ویژه رقابت با امپراتوری عثمانی، نیازمند تقویت هویت دینی و ملی خود بود. در این بستر، ادبیات به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی، در خدمت اهداف حکومت و جامعه قرار گرفت. شاعران و نویسندگان با خلق آثاری که مضامین شیعی را با ارزش‌های اخلاقی درهم آمیخته بود، به ترویج تشیع و ایجاد وحدت میان اقوام مختلف ایران کمک کردند.

یکی از جلوه‌های بارز این نقش، توسعه مرثیه‌سرایی در ادبیات صفوی بود. شاعرانی چون محتشم گاشانی (وفات 996 ه.ق / 1588 م) با سرودن اشعاری در رثای امام حسین (ع) و شهدای کربلا، نه تنها احساسات مذهبی مردم را برانگیختند، بلکه مفاهیمی چون عدالت‌خواهی و ایستادگی در برابر ستم را در جامعه نهادینه کردند. ترکیب‌بندی معروف محتشم با مطلع:

< «باز این چه شورش است که در خلق عالم است»

به خوبی این کارکرد را نشان می‌دهد و بیانگر پیوند عمیق ادبیات با هویت دینی و اجتماعی است (صفا، 1378، ج 4، ص 298).

از سوی دیگر، ادبیات صفوی با تقویت روحیه عرفانی و اخلاقی، به کاهش تنش‌های اجتماعی و ایجاد انسجام در جامعه‌های چندفرهنگی یاری رساند. این کارکرد در دورانی که ایران با تهدیدات خارجی و ناآرامی‌های داخلی مواجه بود، از اهمیت بسزایی برخوردار بود و نشان‌دهنده قدرت ادبیات در تبدیل چالش‌ها به فرصت‌های فرهنگی است (نصر، 1389، ص 125).

### تأثیر معاصر

میراث ادبی دوره صفوی، به دلیل عمق و غنای خود، همچنان در فرهنگ و ادبیات معاصر ایران حضوری پررنگ دارد. این آثار، که ترکیبی از زیبایی‌شناسی، اخلاق و معنویت را به نمایش می‌گذارند، به عنوان منابعی ارزشمند برای پژوهش‌های امروزی در زمینه‌های ادبیات، تاریخ و اخلاق مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال، اشعار صائب تبریزی و مرثیه‌های محتشم گاشانی هنوز در محافل ادبی و مراسم مذهبی بازخوانی می‌شوند و به ترویج ارزش‌هایی چون همدلی و عدالت کمک می‌کنند.

از منظر علمی، مطالعات معاصر با بررسی این آثار، به تحلیل چگونگی تعامل ادبیات با تحولات اجتماعی و دینی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ادبیات صفوی می‌تواند الگویی برای درک نقش هنر در مواجهه با مسائل اجتماعی مدرن باشد. به عنوان مثال، تأکید این ادبیات بر پیوند میان اخلاق و زیبایی‌شناسی، می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی امروز مورد استفاده قرار گیرد (ملکپور، 1385، ص 62).

علاوه بر این، بازتاب جهانی این میراث نیز قابل توجه است. ترجمه آثار شاعران صفوی به زبان‌های دیگر و بررسی آن‌ها در محافل آکادمیک بین‌المللی، نشان‌دهنده ظرفیت این ادبیات در انتقال مفاهیم انسانی و جهانی است که از مرزهای جغرافیایی و زمانی فراتر می‌رود.

### نتیجه‌گیری

این مطالعه با ارائه تحلیلی نو و دقیق از نقش ادبیات در دوره صفوی، بر جنبه‌هایی از این میراث تأکید دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، مانند کارکرد آن در ایجاد انسجام اجتماعی و مقابله با چالش‌های فرهنگی. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی متمرکز بودند، این بررسی بر تأثیر اجتماعی و اخلاقی ادبیات تمرکز دارد و از این منظر، رویکردی نوآورانه ارائه می‌دهد.

اهمیت این پژوهش در آن است که با بازخوانی نقش ادبیات صفوی، درسی برای جوامع امروزی ارائه می‌کند: این‌که هنر می‌تواند به عنوان نیرویی برای هدایت و اصلاح عمل کند. در جهانی که با بحران‌های اخلاقی و هویتی مواجه است، مطالعه این دوره نشان می‌دهد که چگونه ادبیات می‌تواند ابزاری برای تقویت ارزش‌ها و ایجاد همبستگی باشد. این تحلیل، با استناد به منابع معتبر و ارائه دیدگاه‌های بدیع، به غنای دانش ما از تاریخ فرهنگی ایران می‌افزاید.

### نتایج تحقیق

ادبیات فارسی در دوره صفویه (907-1135 ه.ق / 1501-1722 م) نقشی محوری و اساسی در ترویج ارزش‌های اخلاقی و تقویت روحانیت در جامعه ایفا کرده است. این نقش، فراتر از جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری، به‌عنوان ابزاری کارآمد برای آموزش و هدایت جامعه به سوی تقوا، عدالت و انسجام اجتماعی عمل کرده است. شاعران و نویسندگان این دوره با بهره‌گیری از ابزارهای ادبی مانند نماد، استعاره و تمثیل، مفاهیم اخلاقی و معنوی را به شکلی هنرمندانه و قابل‌فهم برای عموم مردم منتقل کرده‌اند. به عنوان مثال، صائب تبریزی (وفات 1087 ه.ق / 1676 م) در اشعار خود از طبیعت به‌عنوان نمادی از نظم الهی استفاده کرده و مخاطبان را به تأمل در زیبایی خلقت و ارتباط آن با خالق دعوت کرده است. این رویکرد، ادبیات را به رسانه‌ای مؤثر برای تعمیق آگاهی اخلاقی و معنوی در جامعه تبدیل کرد.

علاوه بر این، آثار ادبی این دوره، به‌ویژه مرثیه‌های محتشم گاشانی (وفات 996 ه.ق / 1588 م)، با برانگیختن احساسات دینی و اخلاقی، به ترویج ارزش‌هایی چون عدالت‌خواهی و همدلی کمک شایانی کرده‌اند. این مرثیه‌ها، که اغلب در مراسم مذهبی بازخوانی می‌شدند، نه تنها به تقویت هویت شیعی یاری رساندند، بلکه به‌عنوان الگوهایی برای رفتار اخلاقی در مواجهه با ستم و بی‌عدالتی عمل کردند. به طور کلی، ادبیات صفوی با ایجاد پیوند عمیق میان دین و فرهنگ، به انسجام هویت اخلاقی و معنوی جامعه کمک کرد و نشان داد که هنر می‌تواند در خدمت تعالی و پیشرفت جامعه باشد. این یافته‌ها، که بر اساس تحلیل محتوای آثار ادبی و بررسی زمینه‌های تاریخی به دست آمده‌اند، تأثیر پایدار ادبیات را در شکل‌دهی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تأیید می‌کنند.

### پیشنهادات

با توجه به اهمیت نقش ادبیات در ترویج ارزش‌های اخلاقی و روحانیت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری درباره تأثیر ادبیات فارسی در سایر دوره‌های تاریخی ایران، مانند دوره تیموری یا قاجار، انجام شود. این مطالعات می‌توانند به درک بهتری از چگونگی تحول نقش ادبیات در ترویج مفاهیم اخلاقی و معنوی در طول زمان کمک کنند. برای مثال، بررسی آثار شاعرانی چون حافظ در دوره تیموری یا قانانی در دوره قاجار می‌تواند نشان‌دهنده استمرار یا تغییر در کارکردهای اخلاقی ادبیات باشد.

همچنین، تحلیل تأثیر معاصر آثار ادبی دوره صفویه بر اخلاق و معنویت جامعه کنونی، موضوعی ارزشمند و قابل‌توجه برای پژوهش‌های آینده است. این تحلیل می‌تواند شامل بررسی چگونگی بازخوانی و تفسیر این آثار در محافل ادبی و مذهبی امروزی باشد و نشان دهد که چگونه میراث ادبی صفوی همچنان الهام‌بخش نسل‌های جدید است. به عنوان مثال، مطالعه تأثیر اشعار عرفانی صائب تبریزی بر تفکر اخلاقی و معنوی جوانان امروزی می‌تواند نتایج جالبی به همراه داشته باشد.

در نهایت، توصیه می‌شود که آثار ادبی دوره صفویه، به‌ویژه اشعار عرفانی و مرثیه‌های مذهبی، در برنامه‌های آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها گنجانده شود. این اقدام می‌تواند به آشنایی نسل جوان با ارزش‌های اخلاقی و معنوی نهفته در این آثار کمک کند و زمینه‌ساز ترویج این ارزش‌ها در جامعه امروزی باشد. برای نمونه، تدریس اشعار صائب تبریزی یا مرثیه‌های محتشم گاشانی در دروس ادبیات می‌تواند به تقویت تفکر اخلاقی و عرفانی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان منجر شود.

### منابع و مأخذ

1. براون، ا. گ. (1924). \*A Literary History of Persia\*. Cambridge: Cambridge University Press.
2. زرین‌گوب، عبدالحسین (1376). \*تاریخ ادبیات ایران\*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
3. ساویوری، راجر (1387). \*ایران در دوره صفویه\*. ترجمه‌ی کامران فانی. تهران: انتشارات مرکز.
4. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (1390). \*با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران\*. تهران: سخن.
5. شمیسا، سیروس (1387). \*سبک‌شناسی شعر\*. تهران: انتشارات میترا.
6. صائب تبریزی (1385). \*دیوان اشعار\*. تهران: انتشارات نگاه.
7. صفا، ذبیح‌الله (1378). \*تاریخ ادبیات ایران\* (جلد 4). تهران: انتشارات فردوس.
8. محتشم گاشانی (1362). \*دیوان اشعار\*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
9. ملک‌پور، جمشید (1385). \*ادبیات و جامعه در عصر صفوی\*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
10. نصر، سید حسین (1389). \*اسلام و هنر در دوره صفویه\*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
11. Browne, E. G. (1924). \*A Literary History of Persia\*. Cambridge: Cambridge University Press .
12. Malekpour, J. (2006). \*Literature and Society in the Safavid Era\*. Tehran: University of Tehran Press .
13. Muhtasham Kashani (1983). \*Divan of Poems\*. Tehran: Amirkabir Publications .
- Nasr, S. H. (2010). \*Islam and Art in the Safavid Period\*. Tehran: Amirkabir Publications .
14. Saib Tabrizi (2006). \*Divan of Poems\*. Tehran: Negah Publications .

15. Safa, Z. (1999). \*History of Persian Literature\* (Vol. 4). Tehran: Ferdows Publications .
16. Savory, R. (2008). \*Iran under the Safavids\*. Translated by K. Fani. Tehran: Markaz Publications .
17. Shafi'i Kadkani, M. R. (2011). \*With Lamp and Mirror: In Search of the Roots of Contemporary Persian Poetry Transformation\*. Tehran: Sokhan .
18. Shamisa, S. (2008). \*Stylistics of Poetry\*. Tehran: Mitra Publications .
19. Zarrinkoub, A. H. (1997). \*History of Persian Literature\*. Tehran: Elmi va Farhangi Publications.